



مانع تراشی موازی کاری‌ها در کشور

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در حاشیه مراسم گرامیداشت روز آمار و برنامه‌ریزی در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره اهداف دولت از اصلاحات ساختاری، بیان کرد: «موضوع اصلاح ساختار از برنامه سوم پیشرفت مطرح بوده است. جمع‌بندی دولت چهاردهم این است که سیاست واگذاری امور به بخش خصوصی اجرایی‌اش شود. راهبرد اصلی ما این است که بخش خصوصی در امور تصدی‌گری و حتی بخشی از وظایف حاکمیتی مسئولیت‌پیدا کنند. دولت همچنین به دنبال واگذاری امور مختلف به استان‌ها است.» وی تأکید کرد: «هدف دولت از اصلاحات ساختاری دستیابی به ساختاری بهینه است تا قادر باشیم بخش قابل توجهی از بودجه را صرف امور عمرانی کنیم چون در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد بودجه برخی دستگاه‌ها صرف امور جاری می‌شود.» عارف با اشاره به مشکل موازی کاری در بخش‌های اداری کشور گفت: «گاهی یک‌وظیفه را چند دستگاه اداری به صورت موازی انجام می‌دهند و این موازی کاری می‌تواند حتی موجب مانع‌تراشی در اجرای امور و ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع شود.»



یک‌سوم تل‌آویو نابود شد

محمداصلاح جوکار، رئیس کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس شورای اسلامی، با اشاره به اهمیت رزمایش‌ها در تقویت توان دفاعی کشور اظهار داشت: «رزمایش‌هایی که در کشور برگزار می‌شود در حقیقت تمرینی برای جنگ واقعی است و پس از هر اقدام دفاعی یا درگیری، نقاط قوت و ضعف خود را بررسی می‌کنیم تا کاستی‌ها را برطرف و نقاط قوت را تقویت کنیم.» رئیس کمیسیون اصل ۹۰ تصریح کرد: «در هر جنگی نقاط ضعف و قوت مشخص می‌شود؛ دشمن نیز تلاش می‌کند ضعف‌های خود را جبران کند، اما ما با ابتکار و خلاقیت، تغییراتی در روش‌ها، تکنیک‌ها و تاکتیک‌های خود ایجاد کرده‌ایم تا قدرت بازدارندگی کشور افزایش یابد.» وی با اشاره به آتش‌بس ۱۲ روزه اخیر خاطرنشان کرد: «این آتش‌بس نتیجه پیشرفت‌های موشکی ما بود. دشمنان خودشان اعتراف کردند که یک‌سوم تل‌آویو منهدم و نابود شده است؛ این موضوع نشان‌دهنده موفقیت‌مادر عملیات آفندی است.»



خدمت به مردم بهترین مرگ بر آمریکاست

مجتبی یوسفی، نماینده اهواز در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «اینکه بخواهیم به بهانه‌های مختلف در داخل کشور تفرقه ایجاد کرده و به نوعی رقیب‌تراشی درونی کنیم، نتیجه‌اش برهم زدن انسجام داخلی است. در نهایت منجر به نگرانی و ناآرامی مردم خواهد شد. به فرمایش مقام معظم رهبری، امروز بهترین مرگ بر آمریکا، خدمت به مردم است. امروز باید تلاش کنیم تا مشکلات اقتصادی مردم را حل کرده و گره‌های اقتصادی را از زندگی مردم باز کنیم. اگر این اتفاق بیفتد، به نفع مردم است. در غیر این صورت هر گونه دوقطعی‌سازی برای فرار از پاسخگویی، به نوعی انسجام‌ملی را برهم‌زده و تکمیل‌کننده پازل دشمن است.» وی تأکید کرد: «هر دوگانگی و هر تفرقه‌افکنی به هر بهانه‌ای در داخل کشور، خواسته‌باناخواسته همراهی با دشمنان قسم‌خورده کشور است. نقد منصفانه همراه با ارائه راهکار جای خود را دارد.»

شاه و انقلابیون

هوشنگ نهاوندی به همراه ایوب‌وماتی از اساتید رشته تاریخ و متخصص در تاریخ ایران کتاب محمدرضا پهلوی، آخرین شاه ایران (۱۹۱۹-۱۹۸۰) را نوشتند. بنا بر یادداشت سرآغاز این کتاب، این کتاب در ژانویه ۲۰۱۳ در پاریس منتشر شد و به دلیل استقبال فراوان طی ۶ ماه به چاپ سوم رسید. این کتاب بخشی از سه‌گانه‌ای است که این دو نفر درباره تاریخ ایران با هم همکاری کردند.

کتاب اول «شاه عباس بزرگ» بود که در سال ۱۹۹۸ به‌وسیله انتشارات پرن فرانسه منتشر شد؛ دوم کتابی درباره نادرشاه افشار بود که تا زمان انتشار کتاب «آخرین شاهنشاه» به چاپ نرسید و سومی هم همین کتاب مورد توجه این مطلب است که بنا بر توضیح نویسندگان «بیش از سه دهه پس از درگذشت محمدرضاشاه... در پرتو اسناد و مدارک سیاسی که دیگر دسترسی به آنها مجاز و ممکن است-به ویژه اسناد آمریکایی- و خاطرات شخصیت‌هایی که غالباً پس از مرگشان اجازه انتشار آن را داده‌اند» نگاشته شده است. البته در همین دیباچه آمده است: «هدف نویسندگان این کتاب نه دفاع و ستایش از زندگی و ترازنامه محمدرضا پهلوی بوده و نه انتقاد و بدگویی از آن، بلکه می‌خواستند و می‌خواهند با ارائه واقع بینان مدارک و وقایع... امکان یک داوری منصفانه را

محمدمدلی فروغی و شروع پادشاهی محمدرضا

در این کتاب نهاوندی و ماتی درباره نقش محمدمدلی فروغی در به پادشاهی رساندن محمدرضا پهلوی نوشتند: «سرنوشت ایران در دست فروغی بود و ایران در حال فروپاشی... (فرستادگان روس و انگلیس) گفتند: از قرار معلوم قرار است که فردا والا حضرت ولیعهد برای انجام سوگند سلطنت به مجلس برود. ما آمده ایم به شما بگوییم دولت‌های ما سلطنت ایشان را نخواهند شناخت... علی‌سپهلی آنها را به دفتر نخست‌وزیر هدایت کرد... فروغی که خیلی ناراحت شده بود، گفت: «ما به نظر دولت‌های شما اهمیت نمی‌دهیم تصمیمی است گرفته شده و فردا ولیعهد به مجلس خواهند رفت...» گفت‌وگو به بن‌بست کامل رسیده بود... شاهپور بدون آنکه فرصت سخن به فروغی بدهد،

زیر و بسم پهلوی‌ها

بررسی کتاب‌های هوشنگ نهاوندی درباره حکومت محمدرضاشاه



سه رویداد و سه دولتمرد

«سه رویداد و سه دولتمرد» کتابی است که هوشنگ نهاوندی درباره بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران نوشته است و سه حادثه عمده تاریخ معاصر کشور، یعنی تجزیه آذربایجان به دست شوروی‌ها، نهضت ملی کردن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد را با بررسی زندگی سه شخصیت مهم سیاسی، احمد قوام (قوام‌السلطنه)، دکتر محمد مصدق و سپهبد فضل‌الله زاهدی، تحلیل کرده است. در ادامه به بخش‌هایی از این کتاب اشاره می‌کنیم:

۲۱ آذر، قوام‌السلطنه

او در بخش نخست این کتاب به رویدادهایی که منجر به صدور فرمان مشروطیت، صدارت قوام‌السلطنه، عزل و بازداشت دوباره به منصب رسیدن و تشکیل دولت توسط وی، نقش قوام در حل معضل آذربایجان و... اشاره می‌کند. نهاوندی؛ حضور قوام‌السلطنه در عرصه تاریخ ایران را به زمانی نسبت می‌دهد که جریان‌هایی که به انقلاب مشروطه و تغییر بنیادی شیوه حکومت در ایران انجامید در حال تکوین بود. وی با اشاره به اینکه «انقلاب مشروطیت به اعتباری، نتیجه و برآیند تحولی بود که شاید با قتل نادرشاه و پایان سودای توسعه‌طلبی این آخرین «جهان‌گشای آسیایی» آغاز شد»، به سراسیمگی ایران

گفت: «می‌گویند آمده‌اید بگویید که این‌ها مرا به سلطنت نخواهند شناخت...» فروغی با ناآرامی و قاطعیت جواب داد: «تصمیم است که گرفته شده. فردا به مجلس تشریف‌فرما خواهید شد...» یامدادان حاج محتشم‌السلطنه، رئیس مجلس نمایندگان را جمع کرد و دستور داد که درهای مجلس را ببندند. سپهبد امیراحمدی مأموریت یافت که امنیت تهران را به هر قیمت حفظ کند... حفاظت پارلمان مورد توجه خاص او بود و تأمین شد... فروغی نزد شاهپور رفت. وی را متقاعد ساخت که با لباس شخصی در اتومبیل ساده‌ای کنارش قرار گیرد و راهی مجلس شود... ساعت ۱۶ نخستین قوای متفقین وارد تهران شدند... آیا برای جلوگیری از رسیدن شاهپور محمدرضا به سلطنت آمده بودند؟... فروغی در بازی ماهرانه‌اش پیروز شد... و محمدرضا به صندلی سلطنت تکیه زد.

خاطره‌ای از روابط فرح با مردم

فصلی از این کتاب به فرح پهلوی پرداخته است؛ نهاوندی بخشی را به بیان خاطراتش به عنوان رئیس دفتر او اختصاص داد و نوشت: «در دو یا سه سال آخر تصمیم گرفت که بدون اطلاع قبیلی و حضور خبرنگاران به اتفاق گروه حفاظتی محدودی به دیدارها یا بازدیدهای پیش‌بینی‌نشده بپردازد... در یکی از ششها... در یکی از کوچه‌ها از پشت پنجره خانه‌ای که چراغ اصلی آن روشن بود، اعضای خانواده‌ای را دید... فرح تصمیم گرفت سری به آنها بزند، رئیس دفترش در زد... به صاحب‌خانه گفته شد: علیاحضرت شهبانو برای احوالپرسی از شما آمده‌اند. اهل خانه از دیدن ایشان واقعاً متحیر شدند و...»

گروه سیاست: هوشنگ نهاوندی، سیاست‌مدار و از معتمدان محمدرضاشاه پهلوی ۲۸ مهرماه در ۹۳سالگی درگذشت. او پیش از انقلاب مدتی رئیس دفتر مخصوص شهبانو فرح پهلوی، وزیر آبادانی و مسکن در دولت حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا و وزیر علوم و آموزش عالی در دولت جعفر شریف‌امامی بود و همچنین تجربه ریاست دانشگاه پهلوی شیراز و دانشگاه تهران نیز در کارنامه او به چشم می‌خورد. نهاوندی پس از انقلاب ایران ساکن بلژیک شد و ۱۴ سال در دانشگاه‌های فرانسه تدریس کرد. احتمالاً نام او را با گزارش‌های گروه اندیشمندان‌ش در دانشگاه تهران و اعلام اطلاعات درباره تورم بالا به شاه که موجب عصبانیت هویدا می‌شود، می‌شناسید اما او هم در دوران پیش از انقلاب و هم در دوران پس از پیروزی انقلاب فعالیت‌های مختلف قابل توجهی دارد. بخش عمده آنچه در سال‌های پیش از انقلاب بر نهاوندی گذشته و فعالیت‌هایی که او انجام داده را در گفت‌وگوی شاهرخ مسکوب با او در پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد که در سال ۱۹۸۵، اردیبهشت سال ۱۳۶۴، انجام گرفته و در سال‌های اخیر منتشر شده می‌توانیم بباییم. البته درباره فعالیت او در دوران پس از پیروزی انقلاب هم کتاب‌هایی که او درباره تاریخ ایران است، قابل توجه است. «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه»، «محمدرضا پهلوی آخرین شاهنشاه»، «خمینی در فرانسه» و «سه رویداد، سه دولتمرد»، از جمله کتاب‌های او درباره حکومت پهلوی است که به بررسی اسناد و اطلاعات و تحلیل‌هایی درباره تاریخ ایران پرداخته است. به جز کتاب «خمینی در فرانسه» به نوعی او از تجربیات و خاطرات شخصی خود نیز در این کتاب‌ها و گفتارها بهره برده است. در این نوشتار به بخشی از مطالب او در سه کتاب مذکور اشاراتی خواهیم داشت. شایان ذکر است که این کتاب‌ها در کنار آن که تلاشی علمی و تحقیقی برای روشن کردن بخشی از تاریخ است؛ بالاخره از دیدگاه شخصی یکی از اعضای حکومت پهلوی نوشته شده و طبیعتاً نوع روابط او به‌ویژه با محمدرضاشاه، شهبانو فرح پهلوی و نخست‌وزیران دوران حضورش در دولت احتمالاً بر نگاه او به این ادوار و بازیگران سیاست و انقلاب و انقلابیون اثرگذار بوده است. همانطور که او در بخشی از گفت‌وگو با مسکوب درباره دوران حضورش در دولت می‌گوید: «بنده چهار سال و خرده‌ای وزیر بودم. کابینه منصور جدی بود. کابینه هویدا کم‌دی بود با ظاهر جدی، ولی کابینه شریف‌امامی کم‌دی بود اصلاً (ظاهر و باطن) کم‌دی بود.»

پس از قتل امیرکبیر اشاره و سپس تحول و بیداری ایرانیان با وجود خشونت و مراقبت عوامل حکومت در انتشار افکار و نوشته‌های ترقی‌خواهانه را توضیح می‌دهد و از نقش قوام در تحول آرام سخن می‌گوید: «هنگامی که عین‌الدوله دستور به توقیف گروهی از مخالفین را داد، قوام‌السلطنه که مخالف این کار بود، چند تن از آنان را مطلع کرد و در خانه‌های نزدیکان و دوستان‌شان پناه داد. در حقیقت می‌کوشید که تحولی آرام به وجود آورد. مانند سران انقلاب از بیماری شاه آگاه بود و می‌دانست که او روزهای آخر زندگی خود را می‌گذراند و می‌خواست قبل از روی کار آمدن ولیعهد تندخو، به این تغییر و تحول جامه عمل بپوشاند.»

در بخش دیگری از کتاب با اشاره به حضور قوام‌السلطنه در نوشتن فرمان مشروطیت درباره حضور وی در دولت‌های پس از آغاز دوران مشروطیت و اعتماد دولت‌های مختلف به وی که منجر به اعتماد رجال سیاسی کشور شد، اشاره و در ادامه به اعتماد و نفوذ بالای وی در میان مردم خراسان و سیستان می‌پردازد که در نهایت منجر به عزل قوام‌السلطنه و بازداشت وی به فرمان میرزا سیدضیاءالدین شد. در بخش دیگری با اشاره به نقش وی در پایان غائله گیلان آمده است: «از یک طرف به سردار سپه و قوای نامی اختیار تام داد که عملیات خود را دنبال کنند و به سرکوب شورشیان بروند... از طرف دیگر، هنگامی که قوای نظامی در ستون‌های مختلف به سوی رشت و انزلی پیش می‌رفتند، قوام‌السلطنه کوشید که به مذاکره و مستقیم با میرزا کوچک خان بپردازد.» او فصل نخست کتاب درباره قوام را با این جمله به پایان می‌رساند: «احمد قوام در همه دوران زندگی سیاسی‌اش، خدمت‌گذار صریق و تقریباً همیشه موافق ایران بود.»